

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

خبرنگار ماهی سیاه کوچولو

۰۱ اگست ۲۰۱۶

## گزارش اکسیون اعتراضی در بیست و هشتمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷

امروز شنبه نهم مرداد [اسد] ۱۳۹۵ در شهر لندن انگلستان اکسیون اعتراضی برپا شده بود، در یک نمایشگاه عکس خیابانی، در قسمتی از میدان معروف این شهر که اسمش میدان ترافلگار است گوشه ای از جنایات رژیم اسلامی نوکر امپریالیستها از طریق عکس های واقعی از جنایات رژیم، عکس شلاق زدن جوانان، عکس اعدام ها در ملأ عام، عکس گورهای بی نام و نشان مثل خاوران که عزیزان مردم در آنها مدفون شده اند، همان دختران و پسران جوانی که به جرم مخالفت با رژیم اسلامی در تابستان ۶۷ در زندان های سراسر ایران به فرمان خمینی در همان زمان نخست وزیری میرحسین موسوی، کمکی جلد، قتل عام شدند توجه مردمی را که از آنجا رد می شدند، به خود جلب می کرد.

این نمایشگاه تصاویر واقعی از جنایات رژیم اسلامی نوکر امپریالیستها دست بر قضا در کنار یکی از موزه های هنری که توریست های بسیار زیادی از آن هر روزه بازدید می کنند، قرار داشت. توریست ها و مردم انگلیس که امروز می خواستند به این مرکز هنری بروند تا تابلوهای واقعی نقاشی هنرمندان دنیا را تماشا کنند اول تصاویر جنایات رژیم اسلامی را می دیدند، خیلی از آنها می ایستادند و تمامی عکسها را بدقت نگاه می کردند، و چشمهایشان از دیدن اینهمه جنایت غمگین می شد، برخی دگرگون می شدند، در کنار این تصاویر متنی به زبان انگلیسی نوشته شده که از بی حقوقی زن در رژیم اسلامی حکایت می کرد، که توجه تمام کسانی را که از نمایشگاه عکس دیدن می کردند، به خود جلب می کرد، آنها می ایستادند و آن را می خواندند و خود این نوشته به آنان نشان میداد که کسانی که این نمایشگاه را بر پا کرده اند از دیدگاه بسیار مترقی و روشنفکرانه ای برخوردار می باشند. اگر اشتباه نکنم گروه اتحاد زنان آزادیخواه آن را نوشته بودند.

یک خانواده انگلیس جزو بازدیدکنندگان از نمایشگاه افشاگری جنایات رژیم بودند که شامل پدر و مادر دو دختر و یک پسر جوان می شد. آنها به مدت نیم ساعت تصاویر را مطالعه می کردند، پای هر کدام از تصاویر به زبان انگلیسی در مورد آن تصویر که حکایت از جنایت رژیم داشت توضیح داده شده بود، آنها با هم در مورد تصاویر صحبت می کردند و به خوبی بی هیچ کلامی می شد به تأسف عمیق شان از اینهمه جنایات هولناک رژیم در حق مردم پی برد!

اگر چه برپاکنندگان این اکسیون اعتراضی و نمایشگاه عکس آن به زبان انگلیسی نیز اعلامیه ای که در آن اطلاعات بسیار آگاه کننده ای از جنایات رژیم خمینی جلد از بدو حکومت خون ریزش تهیه شده بود و به دست مردم داده می شد

اما تصاویر آن چنان گویا بود که هر کدام خود کتابی بود بس گویا! به ویژه که تصاویر به خوبی و به درستی به بیننده نشان می داد که تمام جناح های رژیم دستشان تا شانۀ در این جنایات هولناک به خون مردم آغشته است! به خون کارگران، دانشجویان، زحمتکشان، کودکان، زنان دست فروشان، و خلاصه از انسان تا حیوان و طبیعت و زمین در سایه چنین حکومت خون ریزی در امان نیست!

گفتی است که روز شنبه یکی از روزهای تعطیل در انگلیس است و مردم و به ویژه توریست ها در این میدان که امکان تاریخی و هنری دارد رفت و آمده زیادی دارند و نمایش های خیابانی در این میدان زیاد است که توجه ها را به خود جلب می کند، اما برپائی این نمایشگاه افشاگرانه از جنایات رژیم ملاحای نوکر امپریالیسم که بدورگی و با ریاکاری شعار مرگ بر آمریکا می دهند، وقتی توجه عابران را به خود جلب می کرد آنها را در جایشان از هولناکی این جنایات میخ کوب می کرد، زن و مردی بودند که اتفاقاً زن روسری نچندان سفت و محکم روی سرش انداخته بود، زن انگلیسی هم حرف می زد و حرفهای مرا برای همسرش ترجمه می کرد، همسرش از دیدن عکسها منقلب شده بود چهره اش آنچنان در هم رفته بود که فکر می کردی به این زودی ها درست نمی شود، زن وقتی کتاب **\*خاطراتی از یک رفیق را** در دست من دید توانست آن را بخواند اما معنی آن را نمی دانست به او در مورد کتاب و تصویر چریک فدائی خلق رفیق **مرضیه احمدی اسکویی** توضیح دادم، وقتی از ددمنشی رژیم شاه و ساواک آدم کش او برایش گفتم چشمانش پر از اشک شد، که چطور این رژیم ها آزادیخواهان را در هر لباسی که باشند از بین می برند. یک مرد انگلیس که طنز ظریفی همراه جملاتش بود در ادامه صحبت هایش در مورد دموکراسی می گفت: "ما که دموکراسی نداریم تو این مملکت این که ما داریم دموکراسی نیست فقط اسمش دموکراسیه...." تو دلم گفتم به قول معروف قریون آدم چیز فهم!

چشمان آن دختران جوان خانواده انگلیس که مدام روی عکسها متمرکز می شدند و با هم درباره موقعیت "عدم دموکراسی" در ایران حرف می زدند و گاه چشمان یکی از آنها و مادرشان قرمز می شد و پراشک، و عابرانی که مکث های طولانی کرده بودند و تصاویر جنایات رژیم را، جنایاتی مثل دار زدن دختر شانزده ساله را مطالعه می کردند دیده و ذهن را به خود مشغول می کرد، **جنایاتی که رژیم تمام حیلۀ هایش، مزدوران بی مزد و مزد بگیرش را به کار گرفته که بر روی آنها سرپوش گذاشته، آنها را زیر فرش جارو کند، درست مثل قاتلی که پس از قتل جسد را در یک جانی مثل جنگل یا بیسه دفن می کند تا به خیال خود تمام شواهد عینی را از بین ببرد!** این رژیم تبهکار سر تا پا جنایت هم به کمک دست پروردگان جهانی اش چنین تصور ابلهانه ای دارند. مگر شاه نبود که به "حقوق بشر" ی هائی که برای وضعیت زندانیان سیاسی در ایران با او مصاحبه کرده بودند گفته بود ما فقط " هزار" نفر زندانی داریم و ساواک آدم کش او چه جنایات هولناکی نبود که در حق زندانیان سیاسی اعمال نکرده باشد از ادار کردن پرویز ثابتی ساواکی بی همه چیز در دهان مهدی رضائی آن مبارز بزرگ تا ننگین ترین و پست ترین شیوه یعنی تجاوز به زندانی. اما دیدیم که شاه قاتل بهترین، با سوادترین و آگاه ترین و روشنفکرترین جوانان میهن مان را چگونه توسط ساواکی های منفورش به قتل می رساند تخت و تاجش توسط توده های ستمدیده به زباله دان تاریخ پرتاب شد. و شاه از ایران فراری شد! مطمئناً این رژیم نیز با تمام "زورگویی الهی" اش به زباله دان تاریخ پرتاب می شود!

پایان گزارش این که تأثیری که این تصاویر در ذهن بیننده حک می کرد تأثیری آنی و زودگذر نبود! تأثیری بود که بیننده را وادار می کرد تا تمامی عکس ها را ببیند و مکث کند، اگر چند نفر بودند که با هم تبادل نظر می کردند اگر هم تنها بودند که به سراغ برپاکننده نمایشگاه افشاگری جنایات رژیم می فرفتند و با آنها صحبت می کردند.

وظیفه من و شما که مخالف این رژیم خون ریز هستیم این است که حداقل در اینگونه اکسیون ها و تظاهرات های افشاگرانه علیه رژیم اسلامی شرکت کنیم، نوشته ها و گزارشات را به دست دوستان و آشنایان برسانیم، تا جنایات رژیم

هر چه بیشتر افشاء شود. با آگاهی درست است که می توان با رژیم ددمنش اسلامی رژیم همتای رژیم حیوان صف شاه مبارزه کرد. جنایات رژیم را هر چه گسترده تر افشاء کنیم!

**\* خاطراتی از یک رفیق** اسم کتابی است که توسط فعالین چریکهای فدائی خلق به تازگی منتشر شده است. این کتاب خاطرات یکی از چریک های فدائی خلق به نام مرضیه احمدی اسکوئی است که وقتی آن را می خوانی بی تردید نفست از زلالی و خالصی اینهمه درک و شعور والای انسانی در سینه تنگ می شود و از مبارزه ای او که به افسانه شبیه است! کتاب را می توانید با بازدید از کتابفروشی الکترونیکی در لینک زیر تهیه کنید.

<http://www.19bahman.com/IPFG-Books.html>

**خبرنگار ماهی سیاه کوچولو**

یکشنبه دهم مرداد[اسد] ماه ۱۳۹۵ برابر با سی و یکم جولای ۲۰۱۶